

حماسه آرته اسلوت در لیورپول

ناگهان بیستمین قهرمانی

آرته اسلوت، مربی گمنام هلندی، در فصل ۲۰۲۴-۲۰۲۵ با هدایت لیورپول موفق شد به شکلی غیرمنتظره لیگ برتر انگلیس را فتح کند. او جانشین یورگن کلوپ شد؛ مردی که با موفقیت‌هایش به نماد باشگاه تبدیل شده بود و جانشینی‌اش کار آسانی نبود. با وجود تردیدهای اولیه نسبت به اسلوت، او توانست در نخستین فصل حضورش، لیورپول را به بیستمین قهرمانی لیگ برتر برساند.

لیورپول تحت هدایت اسلوت از یکم نوامبر ۲۰۲۴ (۱۰ آبان ۱۴۰۳)، صدرنشین شد و این جایگاه را تا به دست آوردن قهرمانی آن هم ۴ هفته مانده به پایان لیگ برتر، حفظ کرد. در ۳۴ بازی ۲۵ برد، ۷ تساوی و تنها ۲ شکست آماری درخشان ثبت شد. او توانست همانند مربیانی چون مورینیو، آنچلوتی و کنته، در نخستین فصل مربیگری‌اش در لیگ برتر قهرمان شود. برخلاف انتظارات، اسلوت تیمی که کلوپ ساخته بود را ارتقا داد: دفاع را محکم‌تر و خط میانی را باهوش‌تر ساخت.

تغییراتی در برنامه‌های روزمره تیم نیز ایجاد شد: تمرینات صبح زودتر آغاز می‌شود، برنامه «بیدار شدن بدن» اضافه شده، بازیکنان شب پیش از مسابقات خانگی در خانه می‌مانند و تمرین‌ها با شدت کمتر اما مدت‌زمان بیشتر انجام می‌شود تا مصدومیت‌ها کاهش یابد. حضور متخصصان جدید در کادر فنی نیز نقش مهمی در بهبود آمادگی تیم داشته است.

در بازیکنان نیز بهبود چشمگیری دیده شد: محمد صلاح آمار گل و پاس گل خود را نسبت به فصول گذشته به شکل چشمگیری افزایش داد و کودی خاکیو نیز عملکرد بهتری ارائه کرد. پیشرفت بازیکنانی چون رایسان خرواتبخ نیز، مکمل موفقیت‌های تیم بود.

در روابط با هواداران، اسلوت توانست محبوبیت بالایی کسب کند. با هدایت او و ایجاد فضایی صمیمی، هواداران خیلی زود با سرمربی جدید ارتباط برقرار کردند. سرودهایی برای اسلوت ساخته شد و حمایت هواداران به‌تدریج قوی‌تر شد.

اسلوت با آرامش و فروتنی خاص خود در برابر فشارها ایستاد. او نه پس از پیروزی‌های بزرگ مغرور شد و نه پس از روزهای سخت رقابت‌ها، باثبات‌تر از رقبای خود عمل کند.

با توجه به موفقیت‌های این فصل، دورنمای جذابی برای آینده لیورپول ترسیم شده است. باشگاه برنامه‌های جابجایی‌های برای تابستان پیش رو دارد؛ با هدف جذب بازیکنان جدید نظیر الکساندر ایساک و ملیوش کرکز. اگرچه ترنت الکساندر آرنولد احتمالاً به رئال‌مادرید می‌پیوندد اما تمدید قرارداد محمد صلاح و ویرجیل فن‌دایک، پایه‌های تیم را برای فصل‌های آینده محکم کرد.

در نهایت، اسلوت ثابت کرد بدون تلاش برای تقلید از کلوپ، با روش خودش می‌تواند موفق شود. به گفته کارشناسان، لیورپول تحت هدایت او بخت زیادی برای تکرار قهرمانی در فصل‌های آینده دارد.

■ ■ ■

تازه‌ترین گزارش درباره اینتر و طارمی

رؤیایی که در یک هفته کابوس شد
روزنامه گانتز تا دلواسپورت در جدیدترین گزارش خود در رابطه با تیم فوتبال اینتر باز هم از مهدی طارمی، مهاجم ایرانی نراتزوری انتقاد کرد و نوشت رویا می‌تواند در یک هفته به کابوس تبدیل شود.

تیم‌های فوتبال اینتر و رم در هفته سی‌وپهارم سری آ یکشنبه ۹ اردیبهشت در ورزشگاه جوزپه مه‌آتزا رو در روی هم قرار گرفتند که این بازی با تک گل «ماتیاس سوله» به سود رم‌ی‌ها خاتمه یافت تا شاگردان سیمونه اینزاگی شکست دیگری را در سری آ تجربه کنند و جایگاه خود را هم در صدر جدول از دست دهند.

مهدی طارمی، مهاجم ایرانی اینتر در این بازی فرصت حضور در زمین نیافت و نیمکت‌نشین بود و در مقابل «لدور سومورودوف» بازیکن ازبکستانی رم از ابتدا در ترکیب تیمش حضور داشت و موفق شد تنها پاس گل تیمش را هم به نام خود به ثبت برساند و در رقابت آسیایی‌ها طارمی را شکست دهد.

روزنامه گانتز تا دلو اسپورت در جدیدترین گزارش خود در رابطه با اینتر باز هم مطابق هفته‌های اخیر از مهدی طارمی انتقاد کرد و نوشت: یک فصل رویایی که ممکن است به یک کابوس تبدیل شود. دنیایی که در تنها ۸ روز برعکس شد. هدف تیم، همان‌طور که لاتوتارو، اینزاگی و سایر بازیکنان چند هفته پیش گفته بودند، این بود که برای قهرمانی در همه رقابت‌ها تلاش کنند اما حالا همه چیز تغییر کرده است چرا که حجم زیاد بازی‌های متوالی باعث شده تا تیم از نظر جسمی و ذهنی دچار افت شود.

عدم حضور «مارکوس تورام» تأثیر زیادی روی عملکرد تهاجمی تیم گذاشت اما لاتوتارو مار تینتز نتوانست تیم را به دوش بکشد؛ او عصی و ناامید بود و هرگز خطرناک به نظر نرسید. صفر گل در ۳ بازی اخیر قطعاً نگرانی سیمونه اینزاگی را به همراه دارد. خط حمله اینتر همچنان بهترین خط حمله ایتالیا است؛ با ۲۲ گل در ۲۴ بازی، یعنی بیش از ۲ گل در هر بازی اما مشکل در هفته‌های اخیر، بویژه در ماه آوریل است که قرار بود اهداف تیم برای کسب سه‌گانه را تقویت کند اما در عوض باعث کاهش آنها به حالت بقای صرف شد. تیم تا حدود یک هفته پیش همچنان با تمام قدرت پیش می‌رفت اما بازی‌های متوالی و فشرده باعث کاهش توان تیم شده است. همچنین واضح است که بازیکنان ذخیره در حد بازیکنان اصلی نیستند نه کوره‌آ، نه آرتاویچ و نه طارمی نتوانسته‌اند (در موقعیت‌های مختلف) به طور مناسب جایگزین تورام شوند.



یک افتخار، می‌تواند زخم‌های کهنه را بخیه بزند. در میانه این کارزار خاکستری، مردی برخاسته؛ مجتبی جباری، همان مغز متفکر زمین‌های سبز، که این بار نه با کفش فوتبال، که با رخت سرمربگری، به جنگ سرنوشت آمده است.

در سال‌های دور، خرداد ماهی بود که استقلال زخم‌خورده بر بالای جام حذفی ایستاده؛ با مربی‌ای که تنها چند گام فرصت داشت و با تیمی که امید را جایی

جباری در ششی که کمبود بازیکن همچون سایه‌ای سنگین بر سرش افتاده بود، دست به قماری بزرگ زد؛ قمار بر سر دل و غیرت یک مدافع جوان. ششی که محرومیت‌ها و مصدومیت‌ها مجتبی جباری را وادار کرد قاعده بازی را به سود شجاعت عوض کند، نامی بر تابلوی ترکیب اصلی نشست که شاید کمتر کسی آن را جدی می‌گرفت: ضرغام سعداوی.

پسر ۱۹ ساله‌ای که ابتدای فصل از فولاد به پایتخت آمد، با دلی پرآتش و چشمانی پر از آرزو به زمین آمد؛ زمینی که این بار قرار نبود شاهد بی‌تجربگی او باشد، بلکه باید صحنه قدرتمایی‌اش می‌شد.

از همان دقیق نخست، چیزی در بازی سعداوی به چشم می‌آمد؛ جسارتی خام اما اصیل. نه می‌رسید و نه در برابر نام حریف یا بزرگی رقابت او می‌داد. در نبردهای هوایی همانند عقابی بود که برای طعمه‌اش شیرجه می‌زد و در دریغی‌های تن به تن، همانند صخره‌ای بود که موج‌ها را پس می‌زد.

اما نقطه اوج شب ضرغام، جایی حوالی دقیقه ۲۹

مجتبی جباری و مأموریت نجات استقلال

در کمین شکار جام

میان شکست‌ها گم کرده بود. آن روزها، مجتبی جباری، غریب و بی‌خبر از مرگ پدر، دل به زمین زد، گل زد، پاس داد و آبی‌ها را از قعر ناکامی بیرون کشید. آن شماره ۸ لاغراندام، تاریخ نوشت.

امروز، چرخ روزگار همان شماره ۸ را بر صندلی تصمیم نشاندۀ است؛ در هیبتی دیگر اما با همان روح بی‌قرار. استقلال ۱۴۰۴، شبیه سال‌های شکست است؛ شبیه تیمی که نیازمند قهرمانی است، نه فقط برای کاپ و مدال، که برای آبروی خویش، برای دلخوشی آن میلیون‌ها نفسی که هنوز هم دل در گرو این پیراهن آبی دارند. لیگ دیگر چیزی برای جنگیدن ندارد. تنها جام حذفی، این جام شرف، باقی مانده؛ جامی که می‌تواند فصل خاکستری را طلایی کند. جباری، شمشیر را از نیام کشیده، بی‌هیاهو، بی‌ادعا، همان‌طور که در زمین بازی

کرده بود؛ دقیق، حساب‌شده و بی‌بازگشت. او اهل قمار نیست؛ جباری با عقل می‌جنگد، با نقشه، با ایمان اما فوتبال، حساب و کتاب ساده ندارد. گاهی باید دل به موج سپرد، شمشیر به دست گرفت و بی‌پاک به قلب دشمن زد. جباری حالا در قلب معرکه است؛ در سرزمینی که تنها عشق، تنها باور، تنها ایستادگی حرف آخر را می‌زند.

او فرزند اصیل استقلال است؛ بزرگ‌شده همان رختکن‌های باران‌خورده، همان سکوهای خیس از اشک و شادی. کسی که درد این باشگاه را می‌شناسد و می‌داند استقلال، نامی است که با غرور، با خون، با افتخار عجین شده.

این قمار، قمار سرنوشت است. یا فتحی غرورآمیز یا زخمی که تا سال‌ها بر تن باشگاه خواهد ماند اما فرقی

ضرغام، میخ اعتماد را محکم کوبید!

تکل زرین جوان استقلال



رقم خور؛ زمانی که پیکان پس از چند حمله ناقص، صاحب فرصتی ناب شد. پاس عرضی زیبا از علی‌اکبر

رنجبر به رضا رضایی رسید و مهاجم پیکان در موقعیتی طلایی، استقلال را تا یک قدمی فروپاشی کشاند. همه

چیز به ضرر استقلال چیده شده بود؛ زمانی برای تردید نبود.

در همان لحظه، ضرغام همچون شلیک تیری از چله کمان، خودش را میان توپ و دروازه پر تاب کرد؛ تکی جانانه، به‌موقع و دقیق که توپ را از برابر پای رضایی دزدید و استقلال را از سقوط نجات داد.

آن تکل، فقط یک نجات ساده نبود؛ تلنگری بود به

کادرفنی استقلال و هوادارانی که هنوز باور نداشتند در دل این نوجوان، روح یک مدافع بزرگ می‌تپد.

بعد از آن لحظه حیاتی، سعداوی همچون سربازی جان بر کف، با هر هجوم تکل طلایی ضرغام تنها یک توپ را از دروازه دور نکرد؛ آینده‌اش را ساخت، دل مربیانش را مطمئن کرد و دل هواداران را قرص. استقلال این بازی را برد اما برد بزرگ‌تر شاید کشف مدافعی بود که می‌تواند سال‌ها دیوار مستحکم‌ی برای این تیم باشد.

ضرغام، در ششی که می‌توانست فرواموش شود، خودش

را در دل شب فریاد کشید و نامش را بر لوح خاطره‌ها

کوبید؛ محکم‌تر از همیشه.

نمی‌کند نتیجه چه باشد؛ هوادر، آن میلیون‌ها آبی‌دل، خوب می‌دانند جباری، برای خودنمایی نیامده؛ او آمده است تا آتش زیر خاکستر را دوباره شعله‌ور کند.

در این راه، اشک خواهد ریخت، عرق خواهد ریخت، شاید خون هم. اما این فوتبال است؛ زمین جنگ باورها و چه کسی بهتر از شماره هشتی که روزی از میان داغ‌ها برخاست تا بار دیگر رویای قهرمانی را در دل استقلال زنده کند؟

شماره ۸ برگشته؛ نه برای تاریخ، که برای ساختن آینده‌ای که آبی‌تر از همیشه باشد.

او آمده که افسانه استقلال را از دل خاکستر بیرون بکشد و نشان دهد در فوتبال، همیشه جایی برای برخاستن دوباره هست؛ اگر دل داشته باشی، اگر ایمان داشته باشی، اگر استقلالی باشی.

جباری و دستیارانش دور نماند. در ششی که استقلالی‌ها انتظار داشتند خط دفاع‌شان لرزان و شکننده باشد، سعداوی نه‌تنها لرزشی نشان نداد، بلکه به یکی از ارکان پیروزی تبدیل شد. این جوان ۱۹ ساله با عملکردی فراتر از انتظار، ثابت کرد آینده خط دفاع استقلال می‌تواند روشن باشد، به شرط آنکه فرصت و اعتماد را به او هدیه کنند. ضرغام سعداوی در نخستین حضور رسمی‌اش در ترکیب اصلی استقلال، کاری کرد که کمتر بازیکنی در این سن و سال می‌تواند انجام دهد؛ در لحظه‌ای که همه چیز می‌توانست فرو بریزد، او علم ایستادگی برافراشت. تکل طلایی ضرغام تنها یک توپ را از دروازه دور نکرد؛ آینده‌اش را ساخت، دل مربیانش را مطمئن کرد و دل هواداران را قرص. استقلال این بازی را برد اما برد بزرگ‌تر شاید کشف مدافعی بود که می‌تواند سال‌ها دیوار مستحکم‌ی برای این تیم باشد.

ضرغام، در ششی که می‌توانست فرواموش شود، خودش

را در دل شب فریاد کشید و نامش را بر لوح خاطره‌ها

کوبید؛ محکم‌تر از همیشه.

پرسپولی‌س چشم به ستاره‌های تازه دوخته است

پایان کار گئورگی

به تیم ملی در آستانه جام جهانی دارد، بدش نمی‌آید یک فصل در لیگ ایران بدرخشد و دوباره جای پایش را در ترکیب تیم ملی محکم کند.

و اما گزینه سوم، محمدمهدی زارع؛ مدافع ۲۲ ساله‌ای که با درخشش در گل گهر سیرجان خودش را به تیم ملی هم رسانده. زارع با جوانی، انگیزه و کیفیتی که دارد، می‌تواند خون تازه‌ای در رگ‌های پیرشده پرسپولی‌س جاری کند و در

پروژه جوان‌سازی کارنال، نقش ویژه‌ای ایفا کند.

■ **سرخ‌ها در آستانه تحولی بزرگ**

پرسپولی‌س در راه ساختن تیمی جدید است؛ تیمی که شاید در فصل آینده، چهره‌ای متفاوت از آنچه تاکنون می‌شناسیم به خود بگیرد. اولین قدم‌ها برداشته شده؛ قدم‌هایی که می‌تواند آینده این تیم پرافتخار را از نو بسازد.

■ **۳ گزینه، ۳ مسیر**
اما برویم سراغ جانشینان احتمالی گئورگی. گزینه نخست عارف آقاوسی است؛ ستاره خط دفاع تراکتور که این فصل جان تازه‌ای به تیمش بخشیده. مشکل اینجاست که هم سپاهان و هم استقلال به‌شدت دنبال او هستند. تراکتور هم امید زیادی به حفظش دارد. با این حال، پرسپولی‌س تصمیم گرفته در این یک مورد خاص، دست‌ودلبازتر از همیشه باشد و پای خواسته‌های مالی عارف کوتاه نیاید. اسرائیلی‌ها البته به صورتی گستاخانه تلاش کردند دلیل این رفتار خود را سفیدشویی کنند. برای مثال، رسانه تایمز اسرائیل دلیل اظهارات پاپ در محکومیت نسل‌کشی فلسطینی‌ها در غزه را عدم درک هولوکاست دانست و نوشت همین مساله موجب شده‌بود پاپ نسبت یه یهودیان بی‌توجه باشد؛ «پس از حمله حماس در ۷اکتبر ۲۰۲۳ و جنگ غزه، رابطه پاپ فرانسیس با جامعه یهودی آسیب دید. او در بیانیه‌هایی بشدت وضعیت انسانی در غزه را محکوم کرد

■ **چالش تازه؛ پیدا کردن جانشین گولسیانی**
پرسپولی‌س برای پر کردن خلأ گولسیانی ۳ نام روی میز دارد. البته این وسط، تکلیف محمدحسین کنعانی‌زادگان هم گره خورده به ماجرابی تازه. کنعانی قراردادش در آستانه پایان است و برای ماندن، رقمی نجومی طلب کرده؛ مبلغی که باشگاه فعلاً زیر بارش نرفته. زمزمه‌ها حاکی از این است که تراکتور دست‌به‌کار شده و با پیشنهادی چرب و نرم، منتظر چراغ سبز مدافع ملی‌پوش پرسپولی‌س است. با این حال کارنال دستور داده باشگاه هر طور شده مقدمات تمدید قرارداد کنعانی را فراهم کند. او نمی‌خواهد خط دفاعش بیشتر از این آسیب ببیند.

فصل تازه‌ای در پرسپولی‌س ورق خورده. اسماعیل کارنال، مرد ترکیه‌ای نیمکت سرخ‌ها، با دست‌ی پر وارد بازار نقل‌وانتقالات شده و نقشه‌هایش را برای تیمی تازه‌تر و جوان‌تر کشیده است. طبق خبرهایی که به گوش رسیده، یکی از اولین قربانی‌های این خانه‌تکانی، گئورگی گولسیانی است؛ مدافعی که دیگر جایی در برنامه‌های کارنال ندارد. دلپیش هم بیشتر از آنکه فنی باشد، عددی است که در شناسنامه وی ثبت شده؛ سن‌وسالی که از نگاه کارنال، دیگر جوابگوی جنگ‌های سخت پیش رو نیست.



بهرادر شونند

غزه دانست و نوشت: «این رویکرد سرد اسرائیل ناشی از مواضع انتقادی پاپ نسبت به اقدامات نظامی اسرائیل در غزه است؛ پاپ فرانسیس بارها شرایط انسانی فلسطینیان را شرم‌آور توصیف کرده‌و خواستار بررسی اقدامات اسرائیل در غزه به عنوان جنایت احتمالی نسل کشی شده بود».

اسرائیلی‌ها البته به صورتی گستاخانه تلاش کردند دلیل این رفتار خود را سفیدشویی کنند. برای مثال، رسانه تایمز اسرائیل دلیل اظهارات پاپ در محکومیت نسل‌کشی فلسطینی‌ها در غزه را عدم درک هولوکاست دانست و نوشت همین مساله موجب شده‌بود پاپ نسبت یه یهودیان بی‌توجه باشد؛ «پس از حمله حماس در ۷اکتبر ۲۰۲۳ و جنگ غزه، رابطه پاپ فرانسیس با جامعه یهودی آسیب دید. او در بیانیه‌هایی بشدت وضعیت انسانی در غزه را محکوم کرد

گسترده مقامات اسرائیلی در مراسم خاکسپاری پاپ ژان پل دوم در سال ۲۰۰۵ است».

این رسانه همچنین به سکوت طولانی مقامات رژیم اسرائیل در قبال درگذشت پاپ اشاره کرد و نوشت: «بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل نیز تنها پس از گذشت ۳ روز بیانیه‌ای بسیار کوتاه و غیرشخصی منتشر کرد. وزارت خارجه اسرائیل نیز ابتدا پیام‌های تسلیت در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد ولی چند ساعت بعد آنها را با دستور مقامات ارشد حذف کرد؛ اقدامی که موجب خشم و سردرگمی دیپلمات‌های اسرائیلی در کشورهای کاتولیک‌نشین‌شد».

بی‌بی‌سی نیز به این کینه اشاره کرد و دلیل این لحن سرد و برخورد غیرانسانی اسرائیلی‌ها را توجه پاپ به وضعیت غیرانسانی

ادامه از صفحه اول

این آپار تابد مذهبی موضوعی بود که رسانه نیوگرب نیز به آن پرداخت و هیات رسمی اعزامی اسرائیل به مراسم خاکسپاری پاپ ژان پل دوم را با هیات فعلی مقایسه کرد و نوشت: «دولت اسرائیل به دلیل مواضع پاپ فرانسیس علیه جنگ غزه، حتی پس از مرگ وی نیز به نوعی مجازات او را ادامه داد. با وجود جایگاه جهانی پاپ و درخواست‌های او برای پایان دادن به خشونت از هر دو طرف، اسرائیل تصمیم گرفت هیچ مقام عالی‌رتبه‌ای را به مراسم خاکسپاری او اعزام نکند و تنها یارون زایدمن، سفیر خود در واتیکان را نماینده کرد. این اقدام در تضاد آشکار با حضور

